

عنوان مقاله:

مقایسه اثربخشی سایکودراما و گروه درمانی شناختی و ترکیبی از این دو بر افسردگی و قصد استمدادطلبی بیماران افسرده بستری

محل انتشار:

نهمین کنگره بین المللی روان درمانی (اجلاس آسیایی در بستر ارزش های فرهنگی) (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 2

نویسندگان:

فائزه اسحاقی - کارشناس ارشد روان شناسی بالینی علوم و تحقیقات تهران

فرشاد بهاری - دکترای مشاوره، استادیار و مدرس دانشگاه

خلاصه مقاله:

سلامت روانی یکی از مسائل مطرح در دنیای امروز است که به عنوان توانایی فرد در غلبه بر موانع رشد شناختی، هیجانی، شناخت از دیگران و حفظ روابط اجتماعی تعریف می شود. در این راستا، افسردگی یکی از شایع ترین بیماری های روانی است که عملاً چهار مجموعه نشانه در آن شامل نشانه های خلقی، نشانه های هیجانی، فکری یا شناختی، انگیزشی و جسمانی وجود دارد. از این رو دو نظریه شناختی و روان نمایشگری (سایکودراما) که هر یک به گونه ای متفاوت به تبیین و توصیف مسائل و مشکلات روان شناختی افراد در زمینه شناخت، هیجان، رفتار و ارتباط می پردازند و راهبردهای منحصر به فردی را به منظور رفع آن ها ارائه می دهند، می توانند در درمان افسردگی نقش بسزایی داشته باشند. هدف: پژوهش حاضر با هدف تعیین میزان تأثیر سایکودراما و گروه درمانی شناختی و ترکیب این دو بر کاهش شدت افسردگی و افزایش قصد استمداد طلبی بیماران مبتلا به اختلال افسردگی عمده بستری تحت درمان با دارو انجام شد. روش: این پژوهش یک مطالعه شبه آزمایشی است و جامعه آماری آن را بیماران مبتلا به افسردگی عمده که در بخش اعصاب و روان بیمارستان رازی و لواسانی شهر تهران بستری بودند، تشکیل می دادند. حجم نمونه پژوهش را ۴۰ نفر بیمار تشکیل می دادند که به صورت در دسترس انتخاب شدند و در سه گروه آزمایش و گواه به صورت جایگزینی تصادفی قرار گرفتند. جلسات هر سه مداخله برای گروه آزمایش به مدت ۱۲ جلسه بر مبنای پروتکل سایکودرامای کلاسیک و گروه درمانی شناختی مایک فری برگزار شد. برای سنجش افسردگی از سیاهه افسردگی بک (۱۳۸۶) و برای قصد استمداد طلبی از پرسشنامه قصد استمداد طلبی کوهن (۱۳۹۱) بهره گرفته شد. داده ها با استفاده از آزمون تحلیل کواریانس تک متغیره و آزمون تعقیبی توکی تحلیل شد. یافته ها: تفاوت بین میانگین نمرات افسردگی در مرحله پس آزمون بعد از کنترل نمرات پیش آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل، معنی دار است ($SIG \leq 0.05$)؛ بدین معنی که گروه درمانی سایکودراما در کاهش افسردگی بیماران افسرده بستری موثر بوده است. همچنین مداخله گروه درمانی شناختی در کاهش افسردگی بیماران افسرده بستری نیز موثر بوده است و از سوی دیگر درمان ترکیبی هم (شناختی، روان نمایشگری) بر کاهش افسردگی بیماران افسرده بستری موثر بوده است. تفاوت بین میانگین نمرات قصد استمداد طلبی در مرحله پس آزمون، بعد از کنترل نمرات پیش آزمون در دو گروه آزمایش و کنترل، معنی دار بوده است که نشان می دهد که مداخله روان نمایشگری بر میزان افزایش قصد استمداد طلبی بیماران افسرده بستری موثر بوده است. همچنین درمان شناختی نیز بر افزایش قصد استمداد طلبی بیماران افسرده بستری موثر بوده است و درمان ترکیبی (شناختی، روان نمایشگری) هم بر افزایش قصد استمداد طلبی بیماران افسرده بستری موثر بوده است. با توجه به نتایج تحلیل مانووا، سه گروه در نمرات افسردگی و قصد استمداد طلبی تفاوت آماری معنی دار داشتند ($sig < 0.01/0$)؛ بدین معنی که تفاوت معناداری در اثربخشی بین سه مداخله وجود داشت و یکی از مداخلات از بقیه اثرگذار تر بوده است. نتیجه گیری: نتایج نشان داد که هر سه مداخله در ...

کلمات کلیدی:

سایکودراما، گروه درمانی شناختی، افسردگی، قصد استمداد طلبی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/557008>



